

## جریان‌شناسی رویکردهای حدیثی حوزه علمیة قم از ابتدای بازتأسیس تا کنون

محمد حائری شیرازی

(دانش‌آموخته حوزه علمیة قم و دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث)

Dr.mh.1373@gmail.com

### چکیده

ورود به هر دانشی، مستلزم آگاهی لازم از رویکردها، دیدگاه‌ها و جریان‌های گوناگون و مطرح در آن دانش است. پس از گذشت صدسال از بازتأسیس حوزه علمیة قم، جریان‌های حدیثی بسیاری در عرصه‌های حجّیت، علوم پیرامونی حدیث، تصحیح و تحقیق، اعتبارسنجی و مراکز حدیثی شیعه فعالیت دارند که هر کدام، ناشی از نظریات کنش‌گران مطرح خود، تأثیرات عینی گوناگونی در صحنه اجتماع و گروه‌های حامی خود گذاشته‌اند. شناخت هر یک از این جریان‌های فعال، نیمه‌فعال و یا غیرفعال در حوزه علمیة قم در سده گذشته، به محققان عرصه حدیث کمک می‌کند تا با نگاهی روشن وارد این عرصه شوند و نوشتارهای خود را سامان بخشند. این نوشتار با مروری گذرا به جریان‌های حدیثی در عرصه‌های ذکر شده، به این نتیجه رسیده است که ضمن اهمیت بسیار حدیث در جریان‌های مختلف حدیثی و فقهی در حوزه علمیة قم، رویکرد افراطی، اعتدالی و تقریپی به گزارشگر سنت اهل بیت علیهم‌السلام در این حوزه همانند حوزه‌های دیگر وجود داشته است. دستاورد اصلی این مقاله، تأثیرگذاری کم‌نظیر حوزه علمیة قم خصوصاً پس از انقلاب اسلامی در رشد، تنوع رویکردهای گوناگون حدیثی، ورود و تربیت پژوهشگران،

تعداد بالای پژوهش‌ها با روش‌های مختلف و اثرگذاری و حضور حدیث در میان مردم است.

کلیدواژه‌ها: حدیث، جریان‌شناسی حدیث، رویکردهای حدیثی، حوزه علمیه قم، صدسالگی حوزه.

«این مقاله با حمایت دبیرخانه دائمی کنگره یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم، دستاوردها و نکوداشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله علیه تألیف شده است.»

## مقدمه

اصطلاح «جریان‌شناسی» از آن دسته اصطلاح‌هایی است که در فضای علمی و اجتماعی پس از انقلاب اسلامی، رواج بسیاری پیدا کرده است. در مرحله اول جریان‌شناسی، جریان‌شناس در پی شناخت و کشف حقیقت جریان است. در عرصه‌های گوناگون علمی، اجتماعی، سیاسی و... جریان، به عنوان پدیده‌ای ساری حضور دارد که شناخت درست از آن امری ضروری است.

لغت «جریان»<sup>۱</sup> از ماده «جری - یجری» مشتق شده است و معنایی مقابل توقف، ایستادن و ساکن بودن دارد (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۹۷). تعریف جریان‌شناسی بدین صورت است: «جریان، پدیده اجتماعی متشکل از مجموعه اصول معرفتی بوده که جمعیتی مدیریت شده بر اساس آن عمل کرده و اثرگذار هستند و دارای رفتارهایی خاص هستند» (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۸: ۹۷). بنابراین جریان با مؤلفه‌های جمعیت، سیستم مدیریتی، داشتن پشتوانه فکری، اجتماعی بودن و داشتن رفتار خاص پدید می‌آید (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۲۰).

یکی از پدیده‌هایی که نیاز ضروری به جریان‌شناسی و شناخت رویکردهای گوناگون آن حس می‌شود، پدیده «حدیث» است که گزارشگر سنت اهل بیت: است. حوزه علمیه قم با ورود آیه الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی در سال ۱۳۰۰ش قدرت بسیار گرفت و پس از سال‌ها کم‌فروغی، به دست وی بازتأسیس شد. در حوزه قم همانند حوزه نجف، فقه و اصول

۱. این لغت در انگلیسی، معادل Trend, Flow, Movement, Current است.

در درجه بالایی از اهمیت قرار داشت؛ چرا که برای بال و پرگرفتن این حوزه نیاز بود تا مجتهدان طراز اول در عرصه فقه و اصول تربیت شوند. یکی از منابع اصلی دانش فقه شیعه، سنت پیامبر خدا ﷺ و خاندان پاک ایشان: است. حدیث، آن پدیده‌ای است که گزارشگر سنت اهل بیت  بوده و در طول قرن‌ها از عصر حضور تا کنون، مورد توجه فقیهان شیعه قرار گرفته است.

به طور کلی با شناخت جریان‌های گوناگون حدیثی به‌ویژه در حوزه علمی قم پس از بازتأسیس، چند فایده حاصل خواهد شد: ۱. به دست آوردن دقیق‌ترین فهم از نظریه‌های مختلف؛ ۲. شناخت تأثیرات گوناگون جریان بر جامعه؛ ۳. فهم درست از میزان قدرت و نفوذ هر جریان؛ ۴. شناسایی تعداد، رویکردها و استدلال‌های مختلف به موضوع؛ ۵. انتخاب درست مبانی علمی و اعتقادی؛ ۶. شناخت روند و آینده‌نگری پدیده مورد نظر؛ ۷. آسیب‌شناسی جریان‌های مختلف؛ ۸. مقایسه و نسبت‌سنجی میان جریان‌ها.

اسفندانه باید اذعان داشت که جامعه علمی حوزه قم، نه تنها در شناخت، پژوهش و رصد جریان‌های حدیثی معاصر خود توفیق شایانی نداشته است، بلکه اهمیت این امر و پیامدهای آن، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. تنها دو کتاب با عنوان‌های درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر (نشر سمت) نوشته آقایان مجید معارف و سعید شفیعی و جریان‌شناسی مطالعات حدیثی معاصر (نشر دارالحدیث) نوشته آقایان محمدکاظم رحمان‌ستایش و روح الله شهیدی در این زمینه تألیف شده است که دایره بررسی جریان‌شناسی این دو کتاب، ۲۰۰ سال گذشته و اعم از حوزه علمی قم و شیعه است.

البته ذکر این نکته ضروری است که تقسیم‌بندی جریان‌ها در حوزه قم در نوشتار حاضر بر اساس فصل‌نهایی کتاب درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر صورت گرفته است. نوشتار پیش رو با هدف آشنایی جامعه علمی حوزه‌ها و دانشگاه‌های داخلی و خارجی که به گونه‌ای مرتبط با حدیث و وابستگان آن هستند، با مهم‌ترین جریان‌های معاصر حدیثی در حوزه علمی قم پس از بازتأسیس در سده گذشته، تدوین شده است تا ضمن پوشش دادن برخی کاستی‌های پیش‌گفته، زمینه شناخت بیشتر و استفاده هم‌گرایانه و سودمند از این جریان‌ها شکل گیرد.

با توجه به این که از ابتدای بازتأسیس حوزه علمیه قم، عالمان بسیاری در این حوزه زیست علمی داشته‌اند و تبیین مبنای حدیثی یکایک آن‌ها علاوه بر این که به دلیل عدم صدق جریان بر تمامی آن‌ها خارج از موضوع نوشتار حاضر است، نیازمند چند جلد کتاب بوده و از عهده این نوشته خارج است و نیز لازمه این امر، گرفتار شدن در دام تکرار است، نویسنده ضمن مطالعه مبنای حدیثی ایشان، تنها به بیان جریان‌ها و رویکردهای اصلی و حاکم در حوزه قم از ابتدای تأسیس تاکنون پرداخته است. البته در میان معرفی هر جریان، به صورت گذرا به برخی مطالعات حدیثی پیرامون آن عرصه، اشاره خواهد شد.

به طور کلی جریان‌های حدیثی در صد سال گذشته در حوزه قم به پنج دسته قابل تقسیم هستند: ۱. جریان‌های مربوط به حجیت حدیث؛ ۲. جریان‌های مربوط به علوم پیرامونی حدیث؛ ۳. جریان‌های مربوط به تصحیح، تحقیق و احیاء حدیث؛ ۴. جریان‌های مربوط به اعتبارسنجی حدیث؛ ۵. جریان مؤسسه‌ها و مراکز حدیثی.

### ۱. جریان‌های مربوط به حجیت حدیث

یکی از رویارویی‌ها با حدیث در سده گذشته حوزه قم، نسبت به حجیت داشتن یا نداشتن آن در عصر حاضر (عصر غیبت کبری) است. عده بسیاری از عالمان و بزرگان این حوزه علمیه قائل بودند که حدیث در دوران فعلی، قابل استناد است و دارای کارکرد بوده و حجت است؛ اما در میزان کارایی آن برخی اختلاف داشته و دارند. به طور کلی می‌توان گفت که رویکرد غالب نسبت به حدیث در سده گذشته در حوزه علمیه قم، رویکرد حجیت آن است. در این میان، گروهی دیگر با نگاه حداکثری و البته نص‌گرایانه به حدیث و اعتقاد به لزوم فهم قرآن از دریچه احادیث، در حوزه علمیه قم زیست داشته و دارند. دسته سومی نیز در این عرصه، حاضر است؛ ولی کم‌رنگ‌تر از دو گروه پیشین، جریانی است که نگاه حداقلی به حدیث دارند و حتی برخی از ایشان قائل به عدم حجیت حدیث به صورت مطلق هستند.

#### ۱ - ۱. جریان میان‌رو

برخی همانند آیه الله بروجردی - که به عنوان عالم پیش‌گام در ورود به عرصه حدیث به صورت ویژه نقش آفرینی کردند - ، با رویکردی میان‌رو به حدیث نگاه کرده و تلاش وی بر این بوده تا با طرح بزرگی که در کتاب جامع احادیث شیعه پیاده کرده است، این روش را نمایش دهد و طلاب این حوزه را به سمت حدیث‌پژوهی انصاف‌مندانانه رهنمود سازد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۷۲).

همچنین شاگردان او به‌ویژه آیه الله شبیری زنجانی با ادامه مسیر ایشان در احیای حدیث شیعه، قدم‌های بزرگی برداشتند و به همین جهت در حال حاضر، رویکرد غالب حدیثی در حوزه علمی قم از آن‌جا که این جریان است. برخی دیگر نیز همانند مرحوم امام خمینی علی‌رغم نگاه اعتدالی به حدیث، با تطبیق آن با مباحث فلسفی و عرفانی کوشیده‌اند تا باب تازه‌ای را در این حوزه به روی طالبان علوم دینی بگشایند. در ادامه به دیگر بزرگانی که در این راستا حضور داشتند اشاره می‌شود:

امام خمینی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۸ ش) بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و نویسنده کتاب کشف الأسرار و تفسیر سوره حمد (دیاری، ۱۳۹۰: ۵۷)؛

آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (۱۲۷۶ - ۱۳۶۹ ش)، نویسنده کتاب‌های مفتاح احادیث الشیعة و الفوائد الرجالية؛

علامه سید محمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ ش)، نویسنده کتاب‌های المیزان فی تفسیر القرآن و البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن؛

آیه الله محمدهادی معرفت (۱۳۰۹ - ۱۳۸۵ ش)، نویسنده کتاب التفسیر الأثری الجامع (معرفت، ۱۳۹۰: ۱/۱۷۳).

## ۱ - ۲. جریان حدیث‌گرا یا اخبارگرا

در مقابل جریان میانه‌رو، خرده‌جریان‌هایی نیز در این حوزه فعالیت داشته و دارند. گرایش این خرده‌جریان‌ها نسبت به حدیث به صورت حداکثری بوده و در قالب جریان‌های فکری متفاوت از هم، ظهور پیدا کرده و در حوزه علمی قم مشغول به فعالیت بوده و هستند. برخی از ایشان مباحث خود را به صورت استدلالی و منطقی مطرح می‌کنند و نسبت به دیدگاه‌های مخالف خود، عالمانه برخورد داشته و دارند؛ اما اسفندانه برخی دیگر به صورتی غیر منطقی به احادیث مراجعه می‌کنند و دلیل محکمی برای رویکرد خود ارائه نمی‌دهند. در ادامه به برخی از این خرده‌جریان‌ها اشاره می‌شود:

۱. آیه الله سید علی حسینی میلانی (متولد ۱۳۲۷ ش)، نویسنده کتاب جواهر الکلام فی معرفة الامامة و الامام؛<sup>۱</sup>

۱. وی بنیان‌گذار «بنیاد فرهنگی امامت» است و نسبت به احادیث امامتی، توجهی ویژه دارد.

۲. آیه الله سید محمود موسوی دهرسخی (۱۳۰۷ - ۱۳۸۹ ش)، نویسنده کتاب مفتاح الکتب الاربعه؛<sup>۱</sup>
۳. حجة الاسلام محمدتقی سبحانی (متولد ۱۳۴۲ ش)؛<sup>۲</sup>
۴. آقای مهدی نصیری (متولد ۱۳۴۲ ش)، نویسنده کتاب‌های اسلام و تجدد و فلسفه از منظر قرآن و عترت؛<sup>۳</sup>
۵. آقای سید علیرضا حسینی شیرازی (متولد ۱۳۳۹ ش)، نویسنده کتاب اعتبارسنجی احادیث شیعه؛<sup>۴</sup>
۶. آقای مهدی حسینیان قمی (متولد ۱۳۳۶ ش)، نویسنده کتاب تحقیق در جامع احادیث الشیعه؛<sup>۵</sup>
۷. آقای عباس تبریزیان (متولد ۱۳۴۱ ش)، نویسنده کتاب طب اسلامی؛<sup>۶</sup>
۸. آقای یعسوب‌الدین رستگاری جویباری (متولد ۱۳۱۹ ش)، نویسنده کتاب تفسیر البصائر؛<sup>۷</sup>
۹. آقای سید حسن ابطحی (۱۳۱۴ ش - ۱۳۹۴) نویسنده کتاب پرواز روح؛<sup>۸</sup>
۱۰. شیخ محمدرضا چال حصارى تهرانی معروف به افضل عصر (م ۱۳۳۲ ش).<sup>۹</sup>

۱. وی از عالمان حدیث‌گرا در حوزه قم محسوب می‌شود. در دو کتاب النساء فی اخبار الفریقین و النساء فی الاسلام به مسائل زنان پرداخته و با اکتفاء به ظاهر برخی روایات، با رویکردی اخباری‌گونه به مسائلی چون: نقصان عقل زن، حرمت آموزش به زن و حبس زن در خانه معتقد است.
۲. وی از احیایگران مکتب تفکیک (خراسان) در حوزه قم است و با تأسیس «مؤسسه معارف اهل بیت» به ترویج این تفکر فعالیت دارد.
۳. وی نیز از مدافعان مکتب تفکیک در حوزه قم است و نظریه «عصر حیرت» را ایشان مطرح کرده است.
۴. در بخش جریان‌های اعتبارسنجی، ذیل رویکرد قرینه‌محور، از وی مطالبی بیان شده است.
۵. وی از شاگردان حجة الاسلام علی صفایی حائری (عین - صاد) است و در زمینه حدیث، صاحب تألیفات است. او در سلسله مقالات «دفاع از حدیث»، رویکرد خود را نسبت به حدیث به صورت تفصیلی بیان می‌کند.
۶. وی نویسنده کتاب درسه فی طب الرسول المصطفی است و به عقیده خود، بنیان‌گذار طب اسلامی و پدر آن است. وی معتقد است که هر روایتی با محتوای طی، قابل استناد است و توجهی به سند، منبع و قرآن دیگر در اعتبارسنجی حدیث نمی‌کند.
۷. وی از طرفداران انجمن حجّتیّه است و از جمله کسانی است که با نظریه ولایت فقیه و وحدت اسلامی در کتاب حقیقت وحدت در دین، مخالفت کرده است.
۸. او نیز از پیروان تفکر انجمن حجّتیّه است. ابطحی با تأسیس «کانون بحث و انتقاد دینی» در سال ۱۳۴۱ ش، به ترویج عقاید خویش پرداخت. یکی از اعتقادات وی، عدم امکان تفسیر قرآن توسط غیر معصوم است. وی بیش از پنجاه عنوان تألیف چاپ شده دارد و بعضی از آن‌ها به زبان‌های انگلیسی، اردو و عربی ترجمه و در کشورهای دیگر منتشر شده‌اند. بیشتر تألیفات وی به موضوع مهدویت و تزکیه نفس تعلق دارد. بعضی کتب معروف وی عبارت‌اند از: پرواز روح (بیش از ۴۰ بار تجدید چاپ)؛ در محضر استاد (جلد ۲)؛ سیر الی الله جلد (جلد ۴)؛ ملاقات با امام زمان؛ مصلح غیبی؛ عوامل پیشرفت.
۹. وی از اخباریون ایران به شمار می‌رود که پس از انقلاب اسلامی دوباره جان گرفتند و در حوزه علمیه قم نیز فعالیت دارند (مطهری، ۱۳۶۸: ۷۲).

۱۱. آقای سید محمد محسن حسینی لاله‌زاری تهرانی (م ۱۳۹۸ ش)، نویسنده کتاب‌های اسرار ملکوت و طهارت انسان.<sup>۱</sup>

### ۳-۳. جریان قرآنیون یا قرآن‌بسیون

تفکر و گفتمان قرآنیون یا قرآن‌بسیون، ریشه‌ای طولانی داشته و تاریخ آن به قرون اولیه اسلام، مانند داستان خوارج و ردّ سنت توسط ایشان در مسائلی چون مسح بر کفش بازمی‌گردد. البته تفکر قرآنیون به انکار حجیت سنت بازمی‌گردد؛ اما جریان قرآن‌بسنندگان در حوزه قم با استناد به ورود احادیث جعلی و ضعیف به میراث حدیثی شیعه، حجیت حدیث در مرجع بودن احکام دین را مورد سؤال قرار داده و به دلیل اتقان قرآن در این خصوص، جهت استنباط و استخراج احکام دین به قرآن پایبند بوده و هستند (معارف، ۱۳۹۴: ۱۸۱). ایشان معتقد هستند که کتاب آسمانی نازل شده بر پیامبر کتابی مستقل و بی‌نیاز از مفسر است. قرآن، تنها حجت شرعی از منظر قرآن‌بسنندگان است و برای تفسیر آن نیز باید به خود آن برگشت (الهی‌بخش، ۲۰۰۵: ۲۶۵). در ادامه به برخی از چهره‌های این جریان که در حوزه قم زیست کرده‌اند، اشاره می‌شود:

علی اکبر حکمی‌زاده (۱۲۸۰ - ۱۳۶۶ ش)، نویسنده کتاب اسرار هزارساله؛<sup>۲</sup>

عبدالوهاب فرید تنکابنی (۱۲۸۶ - ۱۳۶۰ ش)، نویسنده کتاب اسلام و رجعت؛<sup>۳</sup>

سید ابوالفضل ابن الرضا برقعی قمی (۱۲۸۷ - ۱۳۷۰ ش)، نویسنده کتاب‌های زیر پس از

۱. وی به تأثیر از پدر خود آیه الله سید محمدحسین حسینی تهرانی (م ۱۳۷۴ ش)، فعالیت‌های خود را در حوزه قم از سال ۱۳۷۶ ش شروع کرده و با نگاهی عرفانی و تسامح‌گونه به روایات و بها دادن افراطی به احادیث عرفانی به‌ویژه کتاب مصباح الشریعة، جزء خرده‌جریان‌های اخبارگرا در قم به حساب می‌آید. پیروان وی اکنون در حوزه قم حضور دارند.  
۲. امام خمینی کتاب کشف الأسرار را به جهت پاسخ به توهین‌های وی به اعتقادات شیعیان نوشت. او دانش آموخته حوزه بود؛ اما همچون احمد کسروی - که از او متأثر بود - به نقد و نفی اصول حاکم و مشهور در حوزه پرداخت. وی احادیث، اصل امامت، عزاداری و ثواب آن و ابدی بودن قانون‌های اسلام را مورد نقد قرار داده و پیرامون مسائلی چون: عدم سازش برخی حدیث‌ها با عقل و زندگی و علت عدم رغبت مردم به دین، سؤالاتی را مطرح و از حوزه قم در مورد آنها درخواست پاسخ کرده است (حکمی‌زاده، ۱۳۲۲: ۱۴، ۲۳، ۴۱، ۴۹ و ۵۵).

۳. وی متأثر از شریعت سنگلجی بوده و با نوشتن کتاب اسلام و رجعت مشهور شد و در حوزه قم به درجه اجتهاد رسید (مرسلوند، ۱۳۷۶: ۱۱۶/۵). برخی از دیدگاه‌های وی براساس کتاب اسلام و رجعت به این شرح است: باید به قرآن که حیل الله متین است تمسک کرد و همانند دوران رشد اسلام به قرآن عمل نمود (فرید تنکابنی، بی‌تا: ۶)؛ در بین روایات، اخبار جعلی بسیاری در بُعد اعتقادی وجود دارد که یک هزائم آن هم در بُعد احکام جعل نشده است (همان: ۶۵)؛ لزوم پاک‌سازی عقیده‌های خرافی و بدعت‌ها از اسلام (همان: ۵)؛ رجعت، عقیده‌ای غلو آمیز و مردود است (همان: ۱۰۷ و ۱۳۳).

تغییر عقیده: نقد المراجعات و الرد علیها، تابشی از قرآن، ترجمه احکام القرآن شافعی، ترجمه عقیده اسلامی، ترجمه مُسند امام زید بن علی، اصول دین از منظر قرآن، خرافات وفور در زیارت قبور، تضاد مفاتیح الجنان با آیات القرآن، بررسی علمی در احادیث مهدی، بت شکن یا عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، رهنمود سنت در ردّ اهل بدعت و ترجمه مختصر کتاب منهاج السنّة<sup>۱</sup>

#### ۱ - ۴. جریان قرآن محوری

یکی از جریان‌های حدیثی در حوزه قم - که نگاه حداقلی به حدیث داشته و به اندازه جریان قرآن‌بسنندگان به صورت افراطی با حدیث برخورد نمی‌کنند -، مربوط به جریان قرآن محوری است. این جریان، نگاه اصلی خود را در استنباط و استناد مسائل، به قرآن معطوف کرده است؛ ولی اندک نگاهی نیز به حدیث دارد. چند نفر را می‌توان ذیل این تفکر نام برد:

۱. آیه الله محمد صادقی تهرانی (۱۳۰۵ - ۱۳۹۵ ش)، نویسنده کتاب‌های تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن، التفسیر الموضوعی بین الكتاب والسنة، الفقه المقارن بین الكتاب والسنة و ۶۵ عنوان کتاب دیگر.<sup>۲</sup>

۱. وی در قم متولد شد و بیشتر تحصیلات حوزوی خود را در حوزه قم گذراند (برقی قمی، ۱۳۸۷: ۱۲) و در حوزه نجف توسط مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی به درجه اجتهاد رسید. پس از اجتهاد به قم مراجعت کرد و به تدریس و تألیف مشغول شد. برخی از نظریه‌های برقی که در نوشتارهای او نیز درج شده است به کوتاهی بیان می‌شود: کتاب‌هایی مانند الکافی و بحار الأنوار پر از مطالب ضد قرآن و عقل است و از امامان شیعه نیست و ساخته دشمنان است (همان: ۲۵۰)، مهدی منتظری که طبق عقیده و روایات شیعه می‌آید و برای جهان عذاب و تقمت است و مردم جهان را با شمشیر می‌کشد و به زور، همه را به اسلام وادار می‌کند و تازیان شکم اسپس خون بالا می‌آید و کافری در دنیا نمی‌ماند برای این که پنج سال یا هفت سال ریاست کند، صحیح نیست و بر خلاف آیات و سنت الهی است (همان)، این عقیده که ائمه به دنیا بازمی‌گردند و مخالفان خود را از قبرها بیرون می‌آورند و به آتش می‌کشند و جزا می‌دهند، صحیح نیست (همان: ۲۵۱).

۲. وی در سال ۱۳۲۰ ش پس از آن که تحصیلات حوزوی خود را در تهران آغاز کرده بود، برای ادامه تحصیل، وارد حوزه علمیه قم شد و در زمره شاگردان آیه الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی قرار گرفت. او را نمی‌توان در شمار قرآن‌بسنندگان قرار داد؛ زیرا به صورت حداقلی حدیث و به عبارت ایشان سنت قطعی را می‌پذیرد. وی قرآن و سنت را البته بر محور قرآن، زیربنای اصول استنباط فقهی و دلایل قطعی می‌داند. از دیدگاه او کتاب و سنت، بر هم تطابق دارند و محور احکام اخلاقی، عقیدتی، فردی، اجتماعی، عبادی، سیاسی و... فقط قرآن است و در رتبه دوم، سنت منطبق بر محور وحی قرآنی است؛ زیرا بر اساس نصوص، فقط کتاب الله، دلیل است؛ هم به عنوان مشرّع و هم به عنوان دلیل شرعی. بنابراین وی دیگر مبانی استدلال و استنباط فقهی را که در شیعه و حتی اهل سنت مشهور است، با استدلال به قرآن مردود می‌داند، از جمله: عقل، اجماع، شهرت، سیره، خبر واحد ظنی، قیاس، استحسان (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۹). ←



۲. آقای سید مصطفی حسینی طباطبایی (متولد ۱۳۱۴ ش)، نویسنده کتاب‌های راهی به سوی وحدت اسلامی، خیانت در گزارش تاریخ، دین‌ستیزی نافرجام، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، نقد کتب حدیث، فتح البیان فیما روی عن علی من تفسیر القرآن، علی بین التقصیر و الغلو و بررسی آراء اخباری و اصولی.<sup>۱</sup>

۳. آقای سید کمال حیدری (متولد ۱۳۳۵ ش)، نویسنده کتاب من محوریه الإسلام الحدیث الی محوریه الإسلام القرآن.<sup>۲</sup>

→ او معتقد است تفکر دینی و مذهبی مردم به دلیل این که بر منقولات حدیثی بیش از اندازه بنا شده است، تناقض‌های فراوانی با نصوص قرآن دارد (فراتی، ۱۳۸۹: ۳۸۹). او غیر از صحیفه سجادیه، مصباح الشریعة و نهج البلاغه (البته تمام نهج البلاغه را نمی‌پذیرد)، سایر منابع حدیثی شیعه و سنی را قبول نکرده و آنها را مملو از خرافات و جعلیات جاهلانیه یا عامدانه می‌داند (همان: ۳۹۰). برخی افراطی‌ترین نوع بی‌اعتنایی به حدیث را در آثار آقای صادقی تهرانی معرفی می‌کند و معتقد است که این روش در تاریخ فقه شیعه و سنی بی‌سابقه است (جعفریان، ۱۳۸۰: ۳۶۳). وی علاوه بر این که تلاش دارد تمام استدلال‌های خود را قرآنی کند، عقیده دارد که مقلد نیز باید همچون مستدل با برهان‌های قانع‌کننده، مبانی احکام و فتاوا را بدانند و بفهمند و از تقلید کورکورانه دوری گزینند (فراتی، ۱۳۸۹: ۳۹۰). برای آگاهی بیشتر، ر.ک: [www.sadeghitehrani.com](http://www.sadeghitehrani.com).

۱. وی در نوجوانی وارد حوزه قم شد؛ اما هیچ‌گاه لباس روحانیت بر تن نکرد (تصدیقی شاهرزائی، ۱۳۹۳). وی که اکنون در قید حیات است، ادامه‌دهنده جریان قرآنیون در حوزه قم به حساب می‌آید و البته مبانی وی در قرآن‌بستگی خفیف‌تر از برقی و حکمی زاده است؛ ولی به دلیل هم‌دوره بودن حسینی طباطبایی با برقی و قلمداران و ارتباط نزدیک باهم، وی را نیز جزء قرآن‌بستندگان معرفی می‌کنند، در حالی که وی نیز همچون صادقی تهرانی قائل به فهم قرآن بدون نیاز به حدیث است و از طرف دیگر معتقد است که باید برای شرح آیات مجمل قرآن به سنت مراجعه کرد؛ چرا که شرایط برخی از احکام در قرآن نیامده است (حسینی طباطبایی، بی‌تا: ۱۴۵).

۲. تحصیلات خود را در نجف آغاز کرد و سپس به حوزه علمی قم آمد. او در سالیان اخیر، پروژه‌ای را با عنوان «اصلاح دینی» شروع کرد که مبنا و اساس آن، محوریت قرآن و مداریت سنت است. او سلسله مباحثی را با عنوان «اسلام، محوریه القرآن» مطرح و منتشر کرده است. وی قائل است که بسیاری از روایات اهل سنت به دلیل حکومت‌ها و فشارهای سیاسی از ناحیه آنها، محتوایی مناسب خواسته آنها را ارائه می‌کند و روایات شیعی هم به دلیل واکنش در مقابل آنها شامل بسیاری از مطالب و دیدگاه‌های بی‌ارزش است (حسن، ۱۴۳۸ ق: ۴۵). سید کمال حیدری اعتقاد دارد که قرآن و احکام قطعی عقل، محور دین هستند و روایات باید تنها تفسیرکننده آن مطلبی باشد که از این دو منبع فهمیده می‌شود؛ چرا که روایات هیچ‌گاه محور اصلی دین نیستند (همان: ۵۵). بنابر نظر وی، ملاک اعتبار احادیث، ثقه بودن راویان آن حدیث یا صحیح بودن سند آن حدیث نیست؛ بلکه صرفاً مطابق بودن آن با قرآن است (حسن، ۱۳۹۵: ۳۲). بر این اساس، وی تکیه به قرآن را که قرآن‌بستندگان دنبال می‌کنند، نادرست می‌داند، همان‌گونه که تکیه بر حدیث را نیز اشتباه می‌خواند. او در میان اهل سنت، مبانی اهل حدیث و در میان شیعه، مبانی اخباریان و اصولیان را قبول ندارد. از نگاه این جریان، گرایش صحیح، محور بودن قرآن و مدار بودن سنت است (حیدری، ۱۴۳۸ ق: ۵۷).

## ۲. تفاوت روش تفسیری «الفرقان» و «المیزان»

تفاوت روش تفسیری صادقی تهرانی در الفرقان با علامه طباطبایی در المیزان در این است که علامه، ترتیب فعلی روایات را جداگانه و بعد از آیات می آورد؛ اما در حقیقت، تقدّمی وجود دارد، یعنی علامه روایات را ملاحظه کرده و از روایات به فهم آیه منتقل شده است و با توجه به روایات و تنبّه‌ی که از روایات به دست آورده، به تفسیر آیه پرداخته و مطلب را مستقیم از آن استحصال کرده است (پهلوان، ۱۳۹۶: ۹).

برای مثال در بحث «حرمت خمر»، علامه قائل است که خمر در اسلام از ابتدا حرام بوده است و برای اثبات آن، آیه **﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ﴾** (اعراف: ۳۳) را که در مکه نازل شده است، به آیه **﴿قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ﴾** (بقره: ۲۱۹) که در مدینه نازل شده است ضمیمه می کند و نتیجه می گیرد که حرام بودن خمر در مکه به صراحت نازل شده است و برای احدی عذری نمی گذارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۶/ ۱۲۴)؛ اما این تفسیر قرآن به قرآن را به طور کامل از حدیث امام رضا علیه السلام گرفته و حدیث یادشده را در بخش روایی تفسیر المیزان به نقل از الکافی بیان می کند.<sup>۱</sup>

بنابراین نمی توان وی را از قرآنیون یا حتی از افراد قائل به قرآن محوری مانند دکتر صادقی تهرانی دانست؛ بلکه تفسیر المیزان را باید تفسیر القرآن بالتقلین معرفی کرد؛ همین سؤال را دکتر منصور پهلوان از علامه می پرسند و علامه در پاسخ می گویند: «ما می خواستیم ثابت کنیم که اگر قرآن را با قرآن تفسیر کنیم، به همان حقیقت هایی که نزد اهل بیت: بوده است خواهیم رسید» (پهلوان، ۱۳۹۶: ۹).

۱. فی الکافی، عن علی بن یقطين: قال: سألت المهدي أبا الحسن عليه السلام عن الخمر: هل هي محرمة في كتاب الله ﷻ؟ فإن الناس إنما يعرفون النهي عنها ولا يعرفون تحريمها - فقال له أبو الحسن عليه السلام: بل هي محرمة - فقال: في أي موضع هي محرمة - في كتاب الله ﷻ يا أبا الحسن؟ فقال: قول الله تعالى: **﴿إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾** (إلى أن قال: ) فأما الإثم فإنها الخمر بعينها وقد قال الله تعالى في موضع آخر: **﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْمِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾**، فأما الإثم في كتاب الله فهي الخمر و الميسر و إثمهما أكبر من نفعهما كما قال الله تعالى، فقال المهدي: يا علي بن يقطين هذه فتوى هاشمية، فقلت له: صدقت يا أمير المؤمنين - الحمد لله الذي لم يخرج هذا العلم منكم أهل البيت، قال: فوالله ما صبر المهدي إن قال لي: صدقت يا رافضي (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲/ ۱۹۸).

### ۳. جریان‌های مربوط به علوم پیرامونی حدیث

یکی دیگر از رویارویی‌ها با حدیث در سده گذشته، روی آوردن به علوم پیرامونی حدیث مانند تاریخ حدیث، فقه الحدیث، نقد الحدیث، وضع و علل الحدیث و... بوده است. لازم به ذکر است که در برخی از این دانش‌ها، جریانی در حوزه علمیه قم فعال نبوده و صرفاً مطالعاتی در آن زمینه صورت گرفته است. در ادامه به این علوم پیرامونی و جریان‌ها و خرده‌جریان‌های درون هر کدام اشاره می‌شود.

#### ۳ - ۱. تاریخ حدیث

یکی از رویکردهای حدیثی در صد سال گذشته حوزه علمیه قم، خرده‌جریان‌هایی است که به تاریخ حدیث پرداختند. عالمانی که به این بحث گرویدند، قائل به حجیت حدیث بوده و این گزاره را به عنوان یک پایه اصلی قلمداد می‌کنند. حدیث در طول زندگی خود، از ابتدا تاکنون، بالا و پایین‌های بسیاری را دیده است. شناخت این مسیر و ویژگی‌های آن بر عهده «تاریخ حدیث» است که میان دو دانش «حدیث‌شناسی» و «تاریخ» در تردد است. چگونگی ظهور حدیث، برخورد اصحاب پیامبر و اهل بیت: با آن و نیز شیوه‌های برخورد عالمان با این منبع مهم و اصلی شریعت، از مباحث مهم تاریخ حدیث به شمار می‌آید.

مطالعه تاریخ حدیث، شرط ضروری برای تحقیق روشمند در عرصه‌های گوناگون دانش‌های حدیثی است؛ زیرا حدیث، پدیده‌ای تاریخی است و نمی‌توان آن را بدون در نظر گرفتن مسیر تاریخی‌اش، دقیق بررسی کرد. مطالعه در سند حدیث یا متن آن و... به صورت موردی و بدون توجه به تاریخ حدیث، تنها مطالعه‌ای ذهنی و انتزاعی است و احتمال رسیدن به نتیجه‌هایی دور از واقع را افزایش می‌دهد. از طرفی دیگر، حدیث، به عنوان پدیده‌ای تاریخی، مورد هجوم شبهات تاریخی نیز قرار گرفته است؛ شبهاتی که نمی‌توان آنها را بدون مطالعه تاریخ حدیث، پاسخ داد.

یکی از موارد مهم در تاریخ حدیث، شناخت جریان‌های فعال در عرصه نگارش تاریخ حدیث است؛ زیرا با این شناخت، میزان کج‌روی از مسیر اصلی حدیث - که گزارش واقعی از سنت است - کاهش می‌یابد. در ادامه به افرادی که در خصوص تاریخ حدیث در حوزه قم از زمان تأسیس تاکنون فعالیت داشته و با مبانی خود، نگاشته‌ای را قلم زده‌اند، اشاره می‌شود:



حجة الاسلام محمدعلی مهدوی راد، نویسنده کتاب تدوین الحديث عند الشيعة الامامية؛  
حجة الاسلام سيّد محمدکاظم طباطبایی، نویسنده کتاب تاریخ حدیث شیعه (عصر حضور و  
عصر غیبت)؛

حجة الاسلام سيّد محمدرضا جلالی حسینی، نویسنده کتاب تدوین السنة الشريفة؛  
حجة الاسلام مهدی غلامعلی، نویسنده کتاب تاریخ حدیث شیعه در ماوراء النهر و بلخ.

### ۳ - ۲. وضع و علل الحديث

محوری دیگر در جریان‌های حدیثی حوزه علمیه قم، مسئله وضع و علل الحديث است؛ زیرا  
نمی‌توان تأثیر منفی پدیده جعل و علل را بر زندگی حدیث منکر شد. عالمانی در دوران معاصر به  
دلیل مبنای حدیثی خود و احساس خطر از نفوذ وضع و عوارض و علت‌ها به حدیث، در این  
عرصه وارد شدند و آثاری را تدوین کردند، مانند: الاخبار الدخيلة مرحوم محمدتقی شوشتری و  
کتاب‌های مرحوم محمدباقر بهبودی که ناظر به میراث حدیثی شیعه تدوین شده‌اند. برخی از  
نویسندگان در حوزه علمیه قم با درک موقعیت، کتاب‌ها و مقالاتی را درباره مبنای و چگونگی  
شناسایی پدیده وضع و علل در حدیث پرداخته‌اند:

۱. حجت الاسلام عبدالهادی مسعودی، نویسنده دو کتاب وضع و نقد حدیث و آسیب‌شناخت  
حدیث؛
۲. حجة الاسلام محمدحسن ربّانی، نویسنده کتاب آسیب‌شناسی روایات؛
۳. حجة الاسلام حیدر مسجدی، نویسنده کتاب التصحيف فی متن الحديث؛
۴. حجة الاسلام ناصر رفیعی محمدی، نویسنده کتاب درس‌نامه وضع حدیث.

### ۳ - ۳. فقه و نقد الحديث

هدف نهایی از فعالیت‌های حدیثی، فهم حدیث و به دنبال آن، فهم کلام معصوم علیه السلام است.  
جریان‌های فعال بسیاری در دو عرصه فقه الحدیث و نقد الحدیث در حوزه علمیه قم فعالیت  
داشته و دارند. در عرصه فقه و نقد حدیث، بر خلاف قرن‌های گذشته که عالمان، خود به تفسیر و  
نقد روایات پرداخته و به صورت عملی، فقه الحدیث را در کتاب‌های خود نشان می‌دادند، اما در  
حوزه علمیه معاصر قم، علاوه بر آن مدل سنتی، کتاب‌هایی در جهت شناخت مبنای و روش فهم  
حدیث نگاشته شده است که عبارت‌اند از:

۱. حجة الاسلام محمدحسن ربّانی، نویسنده کتاب اصول و قواعد فقه الحدیث؛
۲. حجة الاسلام عبدالهادی مسعودی، نویسنده کتاب‌های روش فهم حدیث، فقه الحدیث ۱ و فقه الحدیث ۴؛
۳. حجة الاسلام محمد احسانی فر لنگرودی، نویسنده کتاب اسباب اختلاف الحدیث؛
۴. حجة الاسلام سید محمدکاظم طباطبایی، نویسنده کتاب‌های منطق فهم حدیث و درآمدی بر فهم احادیث مشکل؛
۵. حجة الاسلام علی نصیری، نویسنده کتاب روش‌شناسی نقد احادیث؛
۶. حجة الاسلام علی محمد میرجلیلی، نویسنده کتاب روش و مبانی فقه الحدیث؛
۷. حجة الاسلام حیدر مسجدی، نویسنده کتاب دروس فی اختلاف الحدیث؛
۸. حجة الاسلام عباس پسندیده، نویسنده کتاب‌های فقه الحدیث ۲ و فقه الحدیث ۳.
۹. حجة الاسلام علی صفایی حائری، نویسنده کتاب روش برداشت از نهج البلاغه<sup>۱</sup> در ادامه به برخی جریان‌های اثرگذار در دو حوزه نقد حدیث شیعه و اهل سنت پرداخته خواهد شد:

### ۳ - ۱ - جریان نقد حدیث اهل سنت

برخی از عالمان شیعه با رویکرد انتقادی نسبت به احادیث اهل سنت، جریانی را به راه انداختند و در این زمینه، مطالبی را به رشته تحریر درآوردند. مرحوم علامه سید مرتضی عسکری (۱۲۹۳ - ۱۳۸۶ ش) شخصی بود که این جریان را شروع کرد (رحمان‌ستایش، ۱۴۰۰: ۲۰۶)، هرچند ایشان مدت کمی را در حوزه علمی قم حضور داشت و آن زمان در درس مرحوم امام خمینی علیه السلام شرکت می‌کرد، به دلیل برخی مسائل به سامرا، محل تولد خود بازگشت (ادیبی لاریجانی، ۱۳۸۷: ۶۱).

وی تلاش کرده است ابعاد گوناگون تحریف را در احادیث پیامبر ۶ که در کتاب‌های روایی اهل سنت موجود است، بیان کند. کتاب معالم المدرستین، محل بروز این جریان است که وی با نشان دادن روش‌ها و راه‌کارهای کتاب‌های اهل سنت نسبت به پوشاندن فضائل و ویژگی‌های خاص امیرالمومنین علیه السلام، این کتاب را سامان داده است. برای نمونه، وی روایت‌های ذیل آیه

۱. کتاب روش برداشت از حدیث، تألیف دیگری از مرحوم صفایی است که هنوز چاپ نشده است.

﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: ۲۱۴) در دو کتاب جامع البیان طبری و تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر را بررسی کرده است. آن‌ها عبارت: «أخی و وصیّی و خلیفتی فیکم...» را حذف کرده و به جای آن «أخی و کذا و کذا...» نوشته‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۹ / ۷۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۶ / ۱۵۳). مرحوم علامه عسکری با نشان دادن این تحریف، به نقد حدیث اهل سنت پرداخته است.

این جریان توسط شاگردان علامه عسکری مانند سید سامی البدری<sup>۱</sup> پیگیری شد؛ ولی نگاشته‌های آن‌ها به طور کلی تاریخی بوده و در ضمن آن به نقد احادیث اهل سنت با روش استاد خود پرداخته‌اند.

### ۳ - ۲ - ۳. جریان نقد حدیث شیعه

یکی از جریان‌های فعال در حوزه قم، جریان نقد حدیث شیعه بود که در قالب تک‌نگاری به تهذیب و نقد حدیث شیعه پرداختند. برخی از نویسندگان شیعی با درک موقعیت زمانه، به واکاوی متون حدیثی پرداختند و متون سره از ناسره را مشخص کردند. برای نمونه، علامه شعرانی (۱۲۸۱ - ۱۳۵۲ش) - که از عالمان حوزه علمیه قم بوده است -، در حواشی بر کتاب‌های مختلف مانند: شرح ملا صالح مازندرانی بر کافی<sup>۲</sup>، وافی مرحوم فیض کاشانی، و مسائل الشیعة و ارشاد القلوب دیلمی، به نقد حدیث پرداخته است. دقت دیدگاه علامه شعرانی در فقه الحدیث، دوری کردن از زیاده‌روی و کوتاهی و استفاده از معانی مورد پذیرش و قابل دفاع، حواشی وی را از جایگاه ویژه‌ای برخوردار کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۶۷). همچنین برخی از مصححان کتاب بحار الأنوار مانند آیه الله مصباح یزدی (۱۳۱۳ - ۱۳۹۹ش) - که در حوزه علمیه قم زیست کرده است -، دیدگاه‌های خاص خویش در نقد متون را در حواشی این کتاب بیان کرده‌اند (همان).

مرحوم حجة الاسلام نعمت الله صالحی نجف آبادی (۱۳۰۳ - ۱۳۸۵ش) که در حوزه قم از شاگردان آیه الله بروجردی، امام خمینی رحمته الله علیه، سید محمد داماد و علامه طباطبایی بود، یکی از

۱. آثار سید سامی البدری عبارت‌اند از: المدخل الی دراسة مصادر السیرة النبویة و التاریخ الاسلامی؛ الامام الحسن فی

مواجهة الانشقاق الأموی و الحسین فی مواجهة الضلال الأموی و إحياء سیرة النبی و علی.

۲. بیش از ۱۶۰۰ حاشیه از ایشان بر کتاب شرح ملا صالح مازندرانی موجود است.

سرآمدان این جریان در حوزه قم قلمداد می‌شود. وی در این راستا نگاه‌هایی مانند: حدیث‌های خیالی، شهید جاوید، غلو (درآمدی بر افکار و عقاید غالیان در دین)، عصای موسی یا درمان بیماری غلو و نگاهی دیگر به حماسه حسینی به قلم تحریر درآورده و در همگی آنها به نقد و ارزیابی حدیث شیعه پرداخته است.

هر کدام از این کتاب‌ها به نوعی باعث اعتراض بزرگان و علمای حوزه قم شد و در نقد آنها نیز کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته شده است. کتاب شهید جاوید به دنبال تفسیری تازه از قیام سیدالشهداء (علیه السلام) تدوین شده است. وی قائل است در خصوص قیام امام حسین ۷ دو دیدگاه افراطی وجود دارد: ۱. دیدگاه اهل سنت: قیام امام، قیامی نارس و نسنجیده بود و امام در محاسبات خود به خطا رفته است؛ ۲. دیدگاه شیعه: قیام امام، تابع محاسبات دنیوی و عقلایی نبوده و حضرت به دلیل علم غیبی که داشتند قیام کردند و کسی در این باره، حق چون و چرا و جستجو ندارد.

او این دو نظر را رد کرده و در این کتاب با تحلیل نصوص تاریخی و اشکال وارد کردن به برخی پیش‌فرض‌های مرسوم، نظر جدیدی ارائه می‌کند. وی به این نتیجه می‌رسد که پس از مرگ معاویه زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم شد و در این زمان، امام احساس مسئولیت بیشتری کرد و تصمیم گرفت برای زنده کردن اسلام قیام کند و با تشکیل حکومت، وضع موجود را تغییر دهد (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۷: ۸۰).

او معتقد بود اگر هدف امام تشکیل حکومت اسلامی بوده، بنابراین امام (علیه السلام) از شهادت خویش اطلاع نداشته است؛ چراکه در این صورت، حرکت امام به استناد آیه ﴿وَلَا تُقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ (بقره: ۱۹۵) نوعی انتحار بوده است (همان: ۱۱۵). همچنین سند و متن احادیث و گزارش‌های تاریخی مختلفی که علم امام به مکان و زمان دقیق شهادت خویش را مطرح می‌سازند از نظر نویسنده، مخدوش و غیر قابل استناد است (همان: ۳۶۷).

کتاب شهید جاوید - که نشئت گرفته از جریان نقد حدیث شیعه بود -، از محدود جریان‌هایی بود که تأثیر بسیاری هم بر بدنه علما و بزرگان و هم بر بدنه عمومی جامعه گذاشت. آیه الله منتظری و آیه الله مشکینی از عالمان موافق این کتاب بودند و حتی تقریظی بر آن نوشتند و در مقابل، امام خمینی، علامه طباطبایی، شهید مطهری، آیه الله صافی گلپایگانی، آیه الله نجفی

مرعشی و بسیاری از علمای حوزه قم با آن به صورت علمی و منطقی مخالفت کردند (موسوی تبریزی، ۱۳۸۴: ۲۶۶).

جریان‌های نقد حدیث شیعه، در سه بخش به ارزیابی و نقد احادیث می‌پردازند: ۱. سند؛ ۲. منبع؛ ۳. متن (رحمان ستایش، ۱۴۰۰: ۲۳۱)؛ اما این جریان‌ها در حوزه قم در دو بخش سند و متن به نقد احادیث پرداخته‌اند. در بخش سند با به رسمیت شناختن تقسیم چهارگانه حدیث صحیح، حسن، موثق و ضعیف، این تقسیم را به عنوان فرآیند گزینش احادیث معتبر و تشخیص حدیث سره از ناسره انتخاب کردند (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۹۷؛ ۱۳۸۵: ۳۸۰، ۳۹۷ و ۴۱۷؛ ۱۳۷۹: ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۸ و ۳۱۹؛ ۱۳۸۰: ۵۷، ۶۰ و ۷۹). علاوه بر این، ملاک پذیرش روایات در نزد ایشان بسیار سخت‌گیرانه بوده و در بخش جریان‌های رجالی و اعتبارسنجی به تفصیل به این موضوع پرداخته خواهد شد.

در بخش ارزیابی حدیث به وسیله متن نیز با در نظر گرفتن برخی ملاک‌ها مانند: عرضه متن حدیث بر قرآن، احادیث دیگر، ضروریات دین و مذهب، تاریخ، عقل، اجماع عالمان و بررسی رکاکت لفظ و معنا، به نقد و ارزیابی احادیث شیعه پرداخته‌اند (همان، ۱۳۹۰: ۸۹-۹۶).

#### ۴. جریان‌های مربوط به تصحیح، تحقیق و احیاء حدیث

یکی از محورهای اساسی در جریان‌های حدیثی حوزه قم، جریان تصحیح، تحقیق و بازنویسی میراث حدیثی شیعه است. به واسطه این جریان‌ها بسیاری از کتاب‌های اصیل و کهن شیعه با استفاده از نسخه‌های موجود، به شکلی دقیق و قابل قبول به جامعه علمی و فرهنگی عرضه شد. در ادامه به برخی از افرادی که در این عرصه جریان‌سازی کردند، اشاره می‌شود:

۱. آقای علی اکبر غفاری (۱۳۰۳ - ۱۳۸۳ ش)، مصحح کتب اربعه؛<sup>۱</sup>
۲. حجة الاسلام عبدالرحیم ربانی شیرازی (۱۳۰۱ - ۱۳۶۰ ش)، مصحح کتاب‌های وسائل الشیعة و بحار الأنوار؛<sup>۲</sup>
۳. علامه ابوالحسن شعرانی (۱۲۸۱ - ۱۳۵۲ ش)، مصحح و محشّی کتاب‌های شرح مآ

۱. علی اکبر غفاری، شاخص‌ترین چهره در تصحیح متون حدیثی شیعی در حوزه قم است. البته وی در حوزه تهران زیست کرد؛ اما جهت شرکت در تفسیر محمدتقی اشراقی عازم قم شد و به همین دلیل در موضوع این نوشتار داخل است.  
۲. وی علاوه بر تصحیح، بر این دو کتاب مهم حدیثی شیعه، تعلیقه زده است.



- صالح مازندرانی بر کافی<sup>۱</sup>، الوافی مرحوم فیض کاشانی، وسائل الشیعة و ارشاد القلوب دیلمی؛<sup>۲</sup>
۴. علامه سید محمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ ش)، محشی بر جلد‌های نخست بحار الأنوار و نویسنده مقدمه کتاب تفسیر العیاشی؛<sup>۳</sup>
۵. آیه الله مصباح یزدی (۱۳۱۳ - ۱۳۹۹ ش)، محشی کتاب بحار الأنوار؛
۶. آیه الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۵۴ - ۱۳۴۰ ش)، نویسنده کتاب جامع احادیث الشیعة؛
۷. حجة الاسلام سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی (۱۳۰۸ - ۱۳۷۴ ش)، نویسنده کتاب‌های مستدرک الذریعة، اضواء علی الذریعة، معجم اعلام الشیعة، تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعة و مصحح کتاب‌های مقتل امیرالمؤمنین از ابن ابی دنیا، مناقب امیرالمؤمنین از ابن حنبل، ترجمه امیرالمؤمنین از تاریخ دمشق، ترجمه امام حسن و امام حسین علیهما السلام از طبقات ابن سعد؛
۸. آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (۱۲۷۶ - ۱۳۶۹ ش)، نویسنده کتاب‌های مفتاح احادیث الشیعة و الفوائد الرجالية؛<sup>۴</sup>

۱. بیش از ۱۶۰۰ حاشیه از ایشان بر کتاب شرح ملا صالح مازندرانی موجود است.

۲. دقت دیدگاه علامه شعرانی در فقه الحدیث، دوری کردن از زیاده‌روی و کوتاهی و استفاده از معانی مورد پذیرش و قابل دفاع، حواشی وی را از جایگاه ویژه‌ای برخوردار کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۶۷). بسیاری از حاشیه‌های ایشان بر کتاب شرح ملا صالح مازندرانی، از دیدگاه انتقادی و با رویکرد عقل‌گرایانه‌تر نسبت به متون حدیثی است. ملاً صالح مازندرانی، تفکری متمایل به اخباریان دارد و از این زاویه به شرح احادیث پرداخته است (همان: ۲۶۴ - ۲۶۶).

۳. علامه طباطبایی یکی از چهره‌های سرشناس در جریان تصحیح متون بوده است؛ زیرا علاوه بر تربیت شاگردان خود در این زمینه، نسخه کتب حدیثی را در اختیار شاگردان خود قرار می‌داد. کتاب تفسیر نورالثقلین را چند دوره تدریس کردند. وی پیش از نوشتن تفسیر المیزان، در تبریز اقدام به نوشتن تفسیری با محوریت احادیث کرد. نام این کتاب، تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن است و چنان‌که از نوشته‌های نویسنده به نظر می‌آید، در فاصله سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ ق مشغول نوشتن این تفسیر بوده است (طباطبایی، ۱۴۲۷ ق: ۲۵/۱). این تفسیر، چند سال پس از درگذشت علامه منتشر شد و از اول قرآن تا پایان سوره یونس را دربرمی‌گیرد.

۴. برخی آثار دیگر وی عبارت‌اند از: حاشیه بر الفصول المهمة شیخ حر عاملی؛ حاشیه مختصر بر کتاب من لا یحضره الفقیه؛ مجموعه‌ای در ادعیه و زیارات؛ شرح دعای سمات؛ شرح زیارت جامعه کبیره؛ مقدمه مفاتیح الجنان؛ شمس الامکنة و البقاع فی خیرة ذات‌الرقاع؛ فوایدی چند در خصوص صحیفة کاملة سجادية.

۹. آیه الله محمدباقر محمودی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۵ش)، نویسنده کتاب نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه<sup>۱</sup>.

ترجمه کتاب‌های حدیثی به زبان فارسی در حوزه قم، یکی دیگر از فعالیت‌هایی است که در این حوزه گسترش پیدا کرد و پس از انقلاب اسلامی به اوج خود رسید. بسیاری از متون کهن شیعی مانند: نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، الکافی، کتاب‌های شیخ صدوق و شیخ مفید و... به زبان فارسی ترجمه شدند. ذکر کردن نام مترجم و کتاب‌های ترجمه شده از عهده این نوشتار خارج است؛ اما با مراجعه به نرم‌افزار «جامع الأحادیث» مرکز کامپیوتر اسلامی نور، تمامی آثار، قابل مشاهده و استفاده هستند.

##### ۵. جریان‌های مربوط به اعتبارسنجی حدیث

یکی از مهم‌ترین محورها در جریان‌های حدیثی حوزه علمیه قم، جریان‌های رجالی بوده و هست که به طور کلی نسبت به سنجش اعتبار حدیث گفتگو می‌کنند و کتاب‌هایی از جریان‌های گوناگون منتشر شده است. نگاه‌های نو در علم رجال و اعتبارسنجی حدیث شیعه، باعث شده است که این علم به افق‌های جدیدی در این حوزه دست یابد. با آن که منابع اصلی و اولیه رجال، در قرن پنجم هجری نگارش یافته و در سال‌های بعد با تغییراتی جزئی روبه‌رو شده، تحقیقات و نوشتارهای رجالی در حوزه علمیه قم با تحقیقات پیشین تفاوت‌هایی بنیادین پیدا کرده است. در دوران معاصر به‌ویژه حوزه قم، اعتبارسنجی حدیث با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو بوده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. روایان بسیاری که در میراث حدیثی شیعه، متهم به ضعف، دروغ و جعل هستند، مانند: سهل بن زیاد آدمی که در سند ۲۵۶۷ حدیث در کتب اربعه شیعه قرار دارد و با این حال نجاشی و ابن غضائری وی را تضعیف می‌کنند (ابن الغضائری، ۱۴۲۲ق: ش ۶۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش: ش ۴۹۰). اندک پیامد این چالش، ایجاد گمانه در درستی محتوای روایاتی است که توسط این دسته از روایان نقل شده است و نیز ابزاری است برای وارد کردن شبهاتی بسیار بر میراث گران‌سنگ حدیث شیعه (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷: ۵۳).

۱. وی بیش از ۲۶ کتاب تاریخی و حدیثی را تصحیح کرده است. یکی از نکات مهم در کتب وی، توجه ویژه به روایات اهل سنت است.

۲. اطلاعات اثرگذار نسبت به راویان پرتکرار جهت شناخت وضعیت ایشان، اندک است، مانند: ابراهیم بن هاشم قمی که در سند ۷۳۹۲ حدیث در کتب اربعه شیعه قرار دارد. وی اگرچه در رجال نجاشی، فهرست و رجال شیخ طوسی دارای مدخل است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ۱۸؛ طوسی، ۱۴۲۷ ق: ش ۵۲۲۴؛ ۱۴۲۰ ق: ش ۶)، در هیچ یک از آنها به وثاقت یا ضعف وی اشاره نشده است (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷: ۵۹).

۳. نقل حدیث راویان ثقه از راویان ضعیف بسیار است، مانند: احمد بن محمد بن خالد برقی (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ش ۱۴۴). این مسئله به ظاهر تناقضی است که به یک چالش برای میراث حدیثی شیعه تبدیل شده است (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷: ۶۱).

۴. تفاوت در روش‌های اعتبارسنجی احادیث شیعه به گونه‌ای است که خروجی هر روش، در میزان پذیرش روایات، اثر مستقیم دارد (همان: ۶۲). این گوناگونی در روش از قرن‌های گذشته بوده و اکنون در حوزه قم نیز به وضوح قابل مشاهده است.

۵. عالمان رجالی در توصیف یک راوی به وثاقت یا ضعف، اختلاف نظر دارند، مانند: محمد بن عیسی بن عبید که در سند ۱۴۵۱ روایت از کتب اربعه شیعه وارد شده است. نجاشی وی را در دو جای کتاب خود، توثیق می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ش ۸۹۶ و ۹۳۹)؛ ولی شیخ طوسی در مقابل، وی را در دو جای کتابش تضعیف کرده است (طوسی، ۱۴۲۰ ش: ۶۱۲ و ۸۱۳). این اختلاف در حالی است که این دو عالم در یک حوزه حدیثی درس خوانده‌اند و اساتید مشترکی دارند (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷: ۷۹).

با توجه به این چالش‌های اساسی، می‌توان بیان داشت که اول: اختلاف رویکرد و مبنا در اعتبارسنجی احادیث شیعه امری طبیعی و غیر قابل اجتناب است و دوم: هر یک از رویکردهایی که در ادامه مطرح می‌شود، صرفاً ارائه گزارشی از هر فکر و مبناست و نگارنده بنایی بر داوری میان این رویکردها ندارد.

در ادامه به چهار رویکرد و جریان اعتبارسنجی در حوزه قم اشاره خواهد شد:

## ۵ - ۱. راوی محور قرینه‌گرا

مرحوم آیه الله سید حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۵۴ - ۱۳۴۰ ش) در سال ۱۳۶۴ ق از بروجرد به قم آمد و مرجعیت شیعه را پذیرفت. در مباحث رجالی، یکی از دقیق‌ترین مبانی را ارائه کرده و

به شاگردان خود مانند آیه الله سید موسی شبیری زنجانی (متولد ۱۳۰۶ ش) انتقال داده است. وی به شناخت طبقات، تخصص راوی، مشایخ، شاگردان و... اهتمام ویژه داشت. نزدیک به ده کتاب رجالی توسط ایشان تألیف شده است. مهم‌ترین کتاب، ترتیب أسانید الکافی یا تجرید أسانید الکافی است که با در کنار هم قرار دادن اسناد مربوط به هر راوی، زمینه شناخت او، اساتید، شاگردان و تخصص فقهی راوی به وجود می‌آید. همچنین در چند کتاب به تبیین مبنای خود نسبت به شناخت تخصص راویان و شناخت طبقه آن‌ها و مقایسه بین اسناد پرداخته است.

آیه الله بروجردی معتقد بود که در کتاب وسائل الشيعة اشکالاتی یافت می‌شود و با تبیین آن‌ها، طرحی را با عنوان «جامع الأحادیث» پیشنهاد کرد تا تمامی احادیث شیعه در کنار یکدیگر قرار گیرند و ارتباط بین آن‌ها، مشخص شود. وی ابتدا بنا داشت روایات اهل سنت را نیز در کنار احادیث شیعه بیان کند تا فضای صدور روایات شیعی مشخص شود؛ اما از این امر منصرف شد. این کلان طرح به همت شاگردان ایشان تنظیم و پس از وفات وی به تلاش آقای شیخ اسماعیل معزی منتشر شد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۷۲).<sup>۱</sup> البته در این میان، کتاب‌های بسیاری نیز از ایشان تألیف شده؛ ولی به مرحله چاپ و انتشار نرسیده است، مانند کتاب حاشیه بر رجال نجاشی، حاشیه علی وسائل الشيعة و...

شیوه رایج در حوزه علمی قم در اعتبارسنجی احادیث شیعه، شیوه‌ای است که از هفت قرن پیش، از حوزه حله شروع شده و همچنان در قم حاکم است. در این شیوه با کمک جوامع رجالی نگاشته شده به سراغ احادیث می‌روند و با توجه به ویژگی‌های بیان شده برای راویان در آن‌ها به اعتبار یا عدم اعتبار روایات حکم می‌کنند و احادیث را به چهار دسته: صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می‌کنند. برخی این رویکرد را رویکرد «راوی محور» نام‌گذاری کرده‌اند؛ زیرا نقش اساسی در حکم به اعتبار یا عدم اعتبار روایت، از آن راوی است (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷: ۸۶).

آیه الله بروجردی با این روش مخالف بود؛ زیرا در این روش، علاوه بر این که مراجعه به کتب رجالی تا حد بسیاری در حکم تقلید در حکم توثیق یا تضعیف راویان است، اطلاعات مربوط به راوی در کتب رجالی کامل نیست و باعث می‌شود که محقق فقط به توثیق و تضعیف عالمان رجالی توجه کند و به امور جانبی و قرینه‌های دیگر در خصوص راوی که مرتبط با پذیرش حدیث

۱. برای آشنایی بیشتر، ر.ک: تحریریه مجله حوزه، ۱۳۷۰: ۴۳-۴۴ / ۱۹۵-۲۳۸.

است، نگاهی نداشته باشد. وی ضمن توجه به گفتار عالمان رجالی، به اسناد روایات و قرائن موجود در آن‌ها نیز توجه ویژه داشت (بهرامی، ۱۳۸۸: ۴۳) و به همین جهت، عنوان این رویکرد و جریان، جریان «راوی محور قرینه‌گرا» است.

یکی از شاگردان وی در مقدمه کتاب ترتیب اسانید الکافی، این روش را برای شناسایی راویان حدیث، طبقه، عصر، نسب، نسبت، مشایخ و راویان معرفی کرده است به این صورت که به سند روایات تکراری مراجعه کرده و از راه پیگیری اسناد، اشکالات، افتادگی واسطه‌ها، عدم اتصال در سند و یا تبدیل نامی به نام دیگر در سند مشخص می‌شود. همچنین می‌توان افتادگی‌ها را با نظر به اسباب، نظائر، قرائن و شواهد موجود در اسناد پی‌دربی شناسایی کرد. این روش برای آشنایی با ویژگی‌های راوی از قبیل علم، فقه، ضبط، امانت در نقل و مذهب راوی است و نیز با نظر به احادیث یک راوی که در ابواب مختلف کتب حدیثی پراکنده است و ارزش‌گذاری آن‌ها از جهت لفظ و محتوا، می‌توان از تمرکز راوی در یکی از معارف مانند فقه، کلام، سیره، تفسیر و... آگاه شد و یا این که عدم تخصص و تمرکز وی را احراز کرد. با این رویکرد روشن می‌شود که یک راوی، قلیل الروایه است یا کثیر الروایه و این که میان روایات خلط کرده یا اهل دقت بوده است (بروجردی، ۱۴۱۴ق: ۵۲).

با توجه به دیدگاه آیه الله بروجردی، ممکن است که روایتی ضعیف السند با توجه به قرائن آن، مورد پذیرش واقع شود، مانند نظر وی در مورد احمد بن هلال عبرتایی که ضعیف است؛ ولی آیه الله بروجردی وی را به دلیل کثرت روایت از اصحاب، توثیق می‌کند (اشتهاردی، ۱۴۱۳ق: ۲۵۸).

لازم به یادآوری است که اکنون نماینده تفکر آیه الله بروجردی در اعتبارسنجی احادیث، آیه الله سید موسی شبیری زنجانی (متولد ۱۳۰۶ش) است. وی ضمن اعتقاد به انسداد صغیر و حجیت ظنون رجالی و کفایت آن در احراز عدالت راوی، قائل به لزوم بررسی سندی جهت شناخت حدیث صحیح است و دیدگاه اخباریان نسبت به پذیرش کامل روایات کتب اربعه را رد می‌کند. وی همانند استاد خود فقط به نص عالمان رجالی در رابطه با توثیق یا تضعیف راویان اکتفا نمی‌کند و قائل به لزوم نقد سند روایات، آشنایی با طبقه آن‌ها و تصحیح اسناد است (معماری، ۱۳۹۹: ۲۰۴).

آیه الله شبیری معتقد به اعتبار مراسیل ابن ابی عمیر همانند مسانید وی است (eshia.ir، ۱۳۶۲ش: جلسه ۴۲). وی با توجه به تفاوت تعریف اصطلاح «صحیح» نزد عالمان متقدم و متأخر، قائل به درستی تعریف عالمان متقدم است (همان، جلسه ۵). این موارد، نشان می‌دهد که دیدگاه آیه الله شبیری همانند استاد خود در اعتبارسنجی حدیث شیعه، «راوی محور قرینه‌گرا» است. گفتنی است که نرم‌افزار «درایة النور» - که یکی از محصولات کاربردی مرکز کامپیوتر علوم اسلامی (نور) برای حدیث‌پژوهان است - بر اساس مبانی آیه الله شبیری تنظیم شده است.

آنچه از مبنای راوی محور قرینه‌گرای آیه الله بروجردی و شاگردان وی می‌توان دست یافت، این است که همانند رویکرد و جریان راوی محور نص‌گرا، تمرکز بر روی راوی است؛ ولی مهم‌ترین تفاوت میان این دو جریان، آن است که جریان راوی محور قرینه‌گرا فقط به دنبال گفتار عالم رجالی برای توثیق و تضعیف راوی نیست؛ بلکه در جستجوی قرینه‌های دیگر تلاش می‌کند، بر خلاف جریان راوی محور نص‌گرا که تنها بر نص عالم رجالی نسبت به توثیق یا تضعیف راوی تمرکز داشته و بر اساس آن، حکم به اعتبار یا عدم اعتبار روایت می‌دهد.

## ۵ - ۲. راوی محور نص‌گرا

مرحوم آیه الله میرزا جواد تبریزی (۱۳۰۵ - ۱۳۸۵ش) از مراجع تقلید شیعه حوزه علمیه قم بود. وی در سال ۱۳۲۷ش وارد حوزه علمیه قم شده و شاگردی مرحوم آیه الله بروجردی را در کارنامه خود دارد. وی در سالیانی که در حوزه نجف به تحصیل مشغول بود، در درس مرحوم آیه الله خویی شرکت می‌کرد. آیه الله تبریزی پس از آن که دوباره به قم بازگشت، با مبنای رجالی مرحوم آیه الله خویی در پذیرش احادیث، وارد عرصه تدریس و اجتهاد شد و به گونه‌ای وی نماینده تفکر مرحوم خویی در اعتبارسنجی حدیث شیعه در حوزه علمیه قم بود. او در موضوع رجال، کتاب طبقات الرجال را تألیف کرد و در حوزه فقه الحدیث نیز کتاب‌هایی چون: نفی السهو عن النبی، فدک، طَلَامَات فاطمة الزهراء، رسالة مختصرة فی لبس السواد و... به رشته تحریر درآورد.

همان‌گونه که گذشت، رویکرد نص‌گرایی نسبت به جوامع رجالی در شیعه از قرن هفتم هجری و از حوزه حدیثی حله آغاز شد. این جریان - که پایبندی به آن در میزان و تعداد احادیث صحیح و ضعیف میراث حدیثی شیعه بسیار اثرگذار است -، اکنون در حوزه علمیه قم نیز نمایندگانی دارد. مرحوم آیه الله تبریزی به عنوان نماینده این جریان و تفکر در حوزه قم سال‌ها به

تدریس و تربیت شاگردانی با این فکر پرداخته است (معماری، ۱۳۹۹: ۲۰۴).

مرحوم آیه الله سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۲۷۸ - ۱۳۷۱ ش) از مراجع تقلید شیعه در حوزه علمیة نجف، با نوشتن کتاب معجم رجال الحدیث به این تفکر و جریان، جانی دوباره بخشید. وی تنها بر نصوص جوامع رجالی تکیه می‌کرد و به هیچ یک از قرائنی که توسط جریان راوی محور قرینه‌گرا مورد توجه قرار می‌گیرد، توجه نمی‌کرد و به همین دلیل، نام این جریان جریان «راوی محور نص‌گرا» نهاده شده است. مرحوم آیه الله تبریزی سال‌ها در درس آیه الله خویی شرکت کرد و با این تفکر یا به حوزه علمیة قم نهاد و در دروس و تألیفات خود از این منهج پیروی نمود (mobahesat.ir، ۱۳۹۲ ش: مصاحبه با احمدی شاهرودی).

### ۵ - ۳. تحلیل فهرستی

آیه الله سید احمد مددی (متولد ۱۳۳۰ ش) ابتدا تحصیل خود را در حوزه علمیة نجف آغاز کرد و شاگرد مرحوم آیه الله خویی و امام خمینی در آن جا بود. وی در سال ۱۳۵۸ ش به حوزه علمیة قم هجرت کرد و در درس مرحوم آیه الله شیخ مرتضی حائری شرکت کرد. آیه الله مددی با آن که شاگرد آیه الله خویی بود، نسبت به مبانی اعتبارسنجی حدیث ایشان نقد وارد می‌کرد و خود روش تحلیل فهرستی را به اعتراف خود احیاء کرد (مددی، ۱۳۹۳: ۳۶۱/۱). وی معتقد است که عالمان متقدم همچون ابن ولید و نجاشی از روش تحلیل فهرستی برای اعتبارسنجی حدیث استفاده می‌کردند.

البته برخی قائل هستند که این روش، ابداع آیه الله مددی است و به دلیل این که یکی از مبانی تحلیل فهرستی، نوشتاری بودن بستر انتقال حدیث در تاریخ شیعه است، عالمان متقدم حدیث مکتوب را به سبک‌های متفاوت ارزیابی می‌کردند. بنابراین، آنچه را می‌توان به عالمان متقدم شیعه نسبت داد، ارزیابی حدیث مکتوب است و منسوب کردن روش تحلیل فهرستی با تعریف آیه الله مددی به قداما ممکن نیست (شیرازی، ۱۴۰۱: ۲۹).

مراد از تحلیل در این رویکرد، مجموعه‌ای از فعالیت‌های فکری، عینی، روان‌شناختی، اجتماعی و مسائلی دیگر است و معنایی وسیع‌تر از حرکت فکری و... دارد (مددی، ۱۳۹۳: ۳۵۲/۱). مقصود از فهرست نیز در این جریان، اصطلاحی است که در حدیث‌پژوهی به کار رفته و به معنای نوعی کتاب است که به هدف شمارش نویسندگان و چگونگی دستیابی مؤلف به آنان،

تألیف شده است (خدامیان آرانی، ۱۳۸۹: ۳۵/۱). تفاوت کتب رجالی و فهرستی در این است که در کتاب‌های رجالی، تلاش مؤلف بر جمع‌آوری همه گفتارها در خصوص راوی است؛ ولی هدف در کتاب‌های فهرستی، معرفی کتاب، اثبات ارزش و اعتبار آن و بیان اختلاف نسخه‌ها در صورت وجود آن است.

رویکرد تحلیل فهرستی بر چند مبنا استوار است: ۱. نوشتاری بودن بستر انتقال حدیث شیعه (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷: ۱۹۶)؛ ۲. وجود قرائن و امکان کشف آن‌ها (مددی، ۱۳۹۳: ۳۵۵/۱)؛ ۳. نگارش منابع اولیه و کیفیت انتقال و پالایش میراث به منابع بعدی (شیرازی، ۱۴۰۱: ۴۴).

این جریان برای اعتبارسنجی حدیث، چند مرحله را به ترتیب طی می‌کند: ۱. بررسی رجالی و فهرستی؛ ۲. بررسی فضای صدور؛ ۳. جمع‌آوری خانواده حدیث مرتبط با متن حدیث؛ ۴. بررسی فضای انتقال حدیث با فتوا طی سال‌های ۲۵۰ - ۴۵۰ق. نکته مهمی که در این روش وجود دارد، این است که پیگیری مضمون روایت در بستر تاریخ، محور اصلی تحلیل فهرستی است (همان).

در روش تحلیل فهرستی، دیدگاه‌ها و بیان‌های متفاوتی وجود دارد: ۱. نقد و بررسی متن حدیث بر اساس کتاب و نسخه‌های مختلف آن و بازسازی آن کتاب که یکی از فواید این بازسازی، اعتبارسنجی حدیث است (عمادی حائری، ۱۳۸۸: ۳۵)؛ ۲. عدم نیاز ارزیابی طریق مؤلف کتاب حدیثی مانند الکافی تا نویسنده اصل حدیثی مانند یونس بن عبدالرحمن؛ زیرا پس از مصدربابی روایت، اعتبار آن برابر با اعتبار مصدر نزد عالمان متقدم قلمداد می‌شود (ملکیان، ۱۳۹۴: ۱۳/۱)؛ ۳. ارزشیابی حدیث بر پایه نوشتار و وجود قرائن و کشف آن است و خصوصیت‌ها و مراحل مشخصی دارد (شیرازی، ۱۴۰۱: ۵۰).

#### ۵ - ۴. قرینه‌محور

یکی از خرده‌جریان‌هایی که در حوزه علمیة قم طی سال‌های گذشته در حال رشد است، جریان «قرینه‌محور» در خصوص اعتبارسنجی حدیث شیعه است. آقای سید علیرضا حسینی شیرازی (متولد ۱۳۳۹ش) بازگوکننده این روش و رویکرد نسبت به میراث حدیثی شیعه است. وی تحصیلات حوزوی خود را در شیراز آغاز و در سال ۱۳۶۶ش وارد حوزه علمیة قم شد. او در حوزه علمیة قم به فراگیری و تدریس در حوزه علوم و معارف حدیث مشغول بوده و آثار گوناگونی در این



عرصه منتشر کرده است.

وی با بررسی تاریخ پر حادثه حدیث شیعه و آسیب‌شناسی رویکردها و جریان‌های فعلی نسبت به اعتبارسنجی حدیث شیعه، روشی را به عقیده خود احیاء کرده است با عنوان «قرینه‌محوری» که بر خلاف جریان راوی‌محور قرینه‌گرا که تمرکز اصلی همچنان بر روی راوی بود، راوی، قطعه‌ای از قطعه‌های پازل اعتبارسنجی حدیث است. وی با استناد به روند و آثار عالمان شیعه از زمان حضور تا عصر حاضر، معتقد است که قرینه‌ها نقشی مهم و اساسی در حکم به اعتبار یا عدم اعتبار روایات را بازی می‌کنند. وی روش قرینه‌محوری را با ارائه مستندات گوناگونی از تاریخ حدیث شیعه، روش عالمان و محدثان و دانشمندان شیعه بیان می‌کند. این جریان در حقیقت بازگشتی است به قبل از حوزه حله و بروز رویکرد راوی‌محوری (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷ ش: ۹۳). در این روش، باید ابتدا مبانی توثیق و تضعیف در نزد عالمان رجالی مشخص شود. با شناخت مبانی، می‌توان درستی توثیق و تضعیف را درک کرد و قضاوتی نزدیک‌تر به واقع نسبت به اعتبارسنجی حدیث انجام داد. آقای حسینی شیرازی عقیده دارد که در عصر حضور به فرآیند اعتبارسنجی احادیث شیعه اشاره شده است و اهل بیت: خود مبانی را برای پذیرش یا عدم پذیرش روایات مشخص کرده‌اند (همان: ۹۵).

به اعتقاد این خرده‌جریان، مهم‌ترین رکن برای اعتبارسنجی حدیث در زمان اهل بیت:، بررسی محتوایی آن حدیث و سنجش آن با آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام است؛ اگر راوی آموزه‌های آشنا و همسان را روایت می‌کرد، آن راوی معتبر شناخته می‌شد و اگر آموزه‌ای نا آشنا و ناهمسان را نقل می‌کرد، راوی غیر معتبر قلمداد می‌گشت. این جریان قائل است که بر خلاف ادعای جریان‌های دیگر در اعتبارسنجی حدیث نسبت به عدم دسترسی به قرائن پیرامونی حدیث در زمان صدور و کمبود اطلاعات رسیده، قرائن بسیاری در میراث حدیثی شیعه وجود دارد که به کمک آن‌ها می‌توان حدیث را زنده کرد.

جریان قرینه‌محور می‌گوید: اگر بناست شخصی به یک حدیث ملتزم باشد، باید سه جهت برای وی روشن شود: ۱. احراز صدور حدیث؛ ۲. جهت صدور آن؛ ۳. دلالت آن. دانش رجال، تنها عرصه نخست را بر عهده دارد و در دو عرصه دیگر، حرفی ندارد. برای رسیدن به دو جهت دیگر باید به دقت، تاریخ حدیث و رفتار عملی اهل بیت و اصحاب ایشان مورد واکاوی قرار گیرند



تا نتیجه مطلوب حاصل شود (همان: ۱۰۱).

## ۶. جریان‌های مربوط به مراکز حدیثی

یکی از آثار مهم حوزه علمی قم پس از بازتأسیس، بسترسازی برای تأسیس مؤسسات و مراکز مختلف فرهنگی و علمی بوده است. در زمینه علوم و معارف حدیث نیز به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، موسسه‌ها و مراکزی تخصصی در این زمینه تأسیس شده است. در ادامه به برخی از مؤسسات اثرگذار حدیثی اشاره می‌شود:

۱. مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث (تأسیس: ۱۳۷۴ ش): تأسیس شده توسط حجة الاسلام محمد محمدی نیک معروف به ری شهری (۱۳۲۵ - ۱۴۰۱ ش)<sup>۱</sup>؛
۲. مؤسسه آل البيت لإحياء التراث (تأسیس: ۱۳۶۲ ش): تأسیس شده توسط حجج اسلام سید جواد شهرستانی (متولد ۱۳۳۳ ش)، سید علی خراسانی (۱۳۲۶ - ۱۳۹۶ ش) و شیخ محمد نجف<sup>۲</sup>؛
۳. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (تأسیس: ۱۳۶۸ ش): این مرکز با ایده آقای دکتر

۱. دانشگاه و پژوهشگاه قرآن و حدیث ذیل مؤسسه دارالحدیث، در راستای احیاء میراث حدیثی شیعه از نظر علمی و معرفتی تأسیس شدند. اهداف اصلی این مؤسسه حدیثی شامل: پژوهش در علوم وابسته به حدیث با هدف دفاع از سنت و پالایش احادیث، تبیین و ترویج معارف حدیثی، تدوین کتب حدیثی و تربیت محققان در حوزه‌های مختلف علوم و معارف حدیث است (ری شهری، ۱۳۸۸: ۲۲/۱). آیه الله ری شهری (م ۱۴۰۱ ش) در این مؤسسه به تدوین و بازنویسی میراث حدیثی شیعه همت گمارد و آثاری را در این زمینه تدوین کرد. البته ذکر این نکته ضروری است که تألیف و تنظیم برخی از این آثار به صورت گروهی و توسط شاگردان وی و پژوهشگران دارالحدیث انجام شده است. از مهم‌ترین کتاب‌های منتشر شده توسط دارالحدیث می‌توان از کتاب‌های دانش‌نامه قرآن و حدیث، میزان الحکمة، دانش‌نامه عقاید اسلامی، دانش‌نامه امیرالمؤمنین علیه السلام، دانش‌نامه امام حسین علیه السلام، دانش‌نامه احادیث پزشکی، دانش‌نامه امام مهدی علیه السلام، شناخت نامه قرآن بر پایه قرآن و حدیث، سیره پیامبر خاتم صلوات الله علیه، حکمت‌نامه پیامبر اعظم صلوات الله علیه، حکمت‌نامه امام حسین علیه السلام، شرح زیارت جامعه کبیره، اهل بیت در قرآن و حدیث و... نام برد.

۲. اهداف این مؤسسه به این شرح است: احیای منابع مهم منتشر شده توسط عالمان اسلامی در رشته‌های گوناگون در قرون مختلف؛ روزآمد کردن منابع غیر استاندارد و نیازمند به تصحیح درست؛ گزینش از میان متون متعدد نسخه‌های خطی و چاپی؛ آگاه ساختن عالمان و فرهیختگان به میراث بزرگ شیعه؛ مرتبط ساختن امت اسلامی به گذشته در عرصه علم و فرهنگ و میراث ائمه اطهار (رفیعی، ۱۳۸۷). این مؤسسه موفق به انتشار کتاب‌های حدیثی بسیاری از جمله: وسائل الشیعة، مستدرک الوسائل، الارشاد، قرب الاسناد، جامع الأخبار، رجال کشی، مسائل علی بن جعفر، مصباح الزائر و نقد الرجال گردیده است.

- طالبپور و با دستور رهبر انقلاب اسلامی آیه الله العظمی سید علی خامنه‌ای تأسیس شد؛<sup>۱</sup>
۴. دفتر تبلیغات اسلامی (تأسیس: ۱۳۵۷ش): این مرکز با دستور امام خمینی شروع به فعالیت کرد و اکنون یکی از مراکز زیر نظر این دفتر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است که زیرمجموعه‌های آن «پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت»<sup>۲</sup> و «مرکز احیای آثار اسلامی»<sup>۳</sup> به صورت اختصاصی بر روی میراث حدیثی و تاریخی شیعه، فعالیت پژوهشی انجام می‌دهند.
۵. کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (تأسیس: ۱۳۴۴ش): این مرکز به همت آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (۱۲۷۶ - ۱۳۶۹ش) در حوزه نگهداری از نسخه‌های خطی میراث شیعه در عرصه‌های گوناگون به ویژه حدیث تأسیس شده است. قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین نسخه کتاب نهج البلاغه در جهان، توسط این مرکز نگهداری می‌شود.
۶. فرهنگستان علوم اسلامی قم (تأسیس: ۱۳۵۸ش): این مجموعه توسط آیه الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی (۱۳۲۲ - ۱۳۷۹ش)، با هدف استخراج علوم اسلامی از دل قرآن و سنت تأسیس شده و اکنون با مدیریت شاگرد وی، آیه الله سید محمدمهدی میرباقری (متولد ۱۳۴۰ش) به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این فرهنگستان، مدعی تولید علم دینی است و بر همین اساس، معتقد به استفاده حداکثری از حدیث حتی در استخراج روش پرداختن به علوم اسلامی هستند (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۲۰۱).
۷. مجمع احیای فرهنگ اسلامی (تأسیس: ۱۳۶۷ش): این مؤسسه توسط حجة الاسلام

۱. اشاعه فرهنگ اسلام، آسان‌سازی دسترسی به منابع اصیل دینی به‌ویژه میراث حدیثی شیعه و نیز سرعت بخشیدن به امر پژوهش در حوزه علوم اسلامی با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و به‌کارگیری امکانات رایانه‌ای برای ارائه علوم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام در شکل و قالب جدید، از اهداف مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی شمرده شده است (noorsoft.org). تاکنون نرم‌افزارهای جامع الأحادیث، درایة النور، دانشنامه علوی، صحیفه سجادیه، مقتل الحسین، اسناد شیخ صدوق، معجم موضوعی بحار الأنوار، سیره معصومان، دانشنامه فضائل اهل بیت در منابع اهل سنت، معجم موضوعی کتب اربعه، معجم موضوعی وسائل الشیعة، دانشنامه نبوی، کتابخانه تخصصی امام رضا، کتابخانه احادیث فریقین، کتابخانه مهدویت، مجموعه آثار محدث شیخ حر عاملی، مجموعه آثار محدث جزائری، مجموعه آثار ثقة الاسلام کلینی، مجموعه آثار شیخ صدوق، مجموعه آثار محدث قمی، مجموعه آثار شیخ طوسی، مجموعه آثار مؤسسه دارالحدیث، رجال شیعه، حدیث اهل بیت و... در راستای هوشمندسازی میراث حدیثی شیعه در این مرکز تولید و منتشر شده است.

۲. معرفی و نقد منابع قیام تاریخ عاشورا، جانشینان پیامبر در پرتو نهج البلاغه ابن ابی الحدید، نقد و بررسی گزارش‌های زندگانی پیش از بعثت پیامبر، از آثار برگزیده این پژوهشکده است.

۳. رجال الأشعریین من المحدثین و اصحاب الائمه علیهم‌السلام، یکی از آثار مهم این مرکز در راستای احیای آثار حدیثی شیعه است.

علی آل کوثر و محمّد کاظم محمودی تأسیس شده و هدف اصلی از تأسیس آن، احیای میراث خطّی اسلامی به‌ویژه در موضوع فضایل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام است. دیگر موضوعات مورد نظر مجمع عبارت‌اند از: تفسیر؛ حدیث؛ تاریخ پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام؛ رجال و تراجم. تاکنون بیش از بیست عنوان کتاب مانند: تفسیر الفرات الکوفی و شواهد التنزیل توسط این مجمع به چاپ رسیده است.

### نتیجه‌گیری

در این نوشتار، جریان‌های فعال، نیمه‌فعال و غیر فعال حدیثی که در صدسال گذشته و پس از بازتأسیس حوزه علمی قم به فعالیت مشغول بوده‌اند، بررسی شدند. جریان‌های حجّیت حدیث، به سه دسته: میانه‌رو، حدیث‌گرا، قرآن‌بستگی و قرآن‌محوری که هرکدام به نحوی با حدیث برخورد می‌کردند، تقسیم شد. در برخی از علوم پیرامونی حدیث، مانند تاریخ حدیث و وضع و علل الحدیث، جریانی نبوده و صرفاً به برخی مطالعات انجام شده در این عرصه اشاره شد. در عرصه فقه و نقد الحدیث، جریان‌های مختلفی نسبت به روش فهم احادیث شیعه و چگونگی نقد احادیث شیعه و اهل سنت حضور داشتند. همچنین در عرصه تصحیح، تحقیق و احیاء میراث حدیثی شیعه، افراد بزرگی فعالیت داشته و آثار گوناگونی را به عرصه انتشار رساندند. حساس‌ترین جریان‌ها در حوزه علمی قم مربوط به اعتبارسنجی حدیث شیعه بود که در قالب چهار جریان: راوی محور قرینه‌گرا، راوی محور نص‌گرا، تحلیل فهرستی و قرینه‌محور به آن‌ها پرداخته شد. آخرین محور مورد بررسی، جریان موسسه‌های حدیثی در حوزه قم است که به اثرگذارترین آن‌ها مانند دارالحدیث اشاره شد. مهم‌ترین دستاورد این مقاله، نشان دادن اثرگذاری بسیار حوزه علمی قم به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی در رشد، پویایی، تنوع رویکردهای گوناگون حدیثی، ورود و تربیت پژوهشگران متخصص، تعداد بالای پژوهش‌ها در قالب‌های گوناگون، استفاده از ابزارهای مختلف برای کارآمد کردن حدیث در جامعه و تأثیر و حضور معارف حدیث در میان مردم است.



## کتاب نامه

### قرآن کریم

۱. ابراهیم پور، علی (۱۳۹۸)، «بررسی تحلیلی ضرورت، فوائد و مزایای نظری و عملی دانش جریان‌شناسی»، زبان و فرهنگ ملل، شماره ۳، صفحه ۹۷ - ۱۱۹.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، اول.
۳. ابن الغضائری، احمد بن الحسین (۱۴۲۲ق)، الرجال، قم: مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحديث، اول.
۴. ادیبی لاریجانی، محمد باقر (۱۳۸۷ش)، مرزدار مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، قم: دانشکده اصول دین، اول.
۵. اشتهاودی، علی‌پناه (۱۴۱۳ق)، تقریرات ثلاثة (الغصب و الوصیة و میراث الازواج)، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، اول.
۶. الهی‌بخش، خادم حسین (۲۰۰۵م)، دراسات فی الفرق: القرآنیون و شبهاتهم حول السنة، طائف: مکتبة الصدیق للنشر و التوزیع.
۷. برقعی قمی، سید ابوالفضل (۱۳۸۷ش)، سوانح ایام در زندگانی خادم الاسلام علامه برقعی، ریاض: دارالآل و الصحب، اول.
۸. بروجردی، سید حسین (۱۴۱۴ق)، ترتیب اسانید کتاب الکافی، تحقیق: حسن نوری، مشهد: مرکز پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، اول.
۹. بهرامی، محمد حسین (۱۳۸۸ش)، بررسی تطبیقی منهج حدیثی شیخ حر عاملی و آیه الله بروجردی در کتاب‌های وسائل الشیعة و جامع احادیث الشیعة، رساله دکتری، دانشگاه قم.
۱۰. پهلوان، منصور (۱۳۹۶)، «طباطبایی و المیزان (پرسش‌ها و پاسخ‌ها)»، مطالعات قرآن و حدیث سفینه، شماره ۵۷، صفحه ۹ - ۳۳.
۱۱. تحریریة مجله حوزة (۱۳۷۰)، «مصاحبه با محمد واعظزاده خراسانی» مجله حوزة، سال هشتم، شماره ۴۳ - ۴۴، صفحه ۱۹۵ - ۲۳۸.
۱۲. تصدیقی شاهرزائی، علی و دیگران (۱۳۹۳ش)، «نقد دیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن قرآنیان شیعه»، پژوهش دینی، شماره ۲۹، صفحه ۱ - ۱۶.



۱۳. جعفریان، رسول (۱۳۸۰ش)، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی - سیاسی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.
۱۴. حسینی طباطبایی، سید مصطفی (بی‌تا)، بررسی روایات ساختگی در کتب حدیث، بی‌جا: بی‌نا.
۱۵. حسینی شیرازی، سید علیرضا (۱۳۹۷ش)، اعتبارسنجی احادیث شیعه (زیرساخت‌ها، فرآیندها، پیامدها)، تهران: سمت، اول.
۱۶. حسن، طلال (۱۴۳۸ق)، مفاصل الإصلاح فی الفكر الشیعی، بغداد: مؤسسه فرهنگی امام جواد علیه السلام، چاپ اول.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ش)، میزان تصحیح الموروث الروائی معالم نظریة عرض الروایات علی القرآن الکریم (تقریراً لأبحاث المرجع الدینی السید کمال الحیدری)، قم: دارالفراقد، سوم.
۱۸. حکمی‌زاده، علی‌اکبر (۱۳۲۲ش)، «اسرار هزار ساله»، هفته‌نامه پرچم، شماره ۱۲.
۱۹. حیدری، سید کمال (۱۴۳۸ق)، من محوریه الإسلام الحدیث إلى محوریه الإسلام القرآن، بغداد: مؤسسه فرهنگی امام جواد علیه السلام، اول.
۲۰. خدامیان آرانی، مهدی (۱۳۸۹ش)، فهارس الشیعة، قم: مؤسسه تراث الشیعة، اول.
۲۱. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹ش)، جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها، قم: انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی، اول.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ش) جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، قم: نشر معارف، اول.
۲۳. رحمان‌ستایش، محمدکاظم و دیگران (۱۴۰۰ش)، جریان‌شناسی مطالعات حدیثی معاصر، قم: دارالحدیث، اول.
۲۴. رفیعی‌علا مرودشتی، علی (۱۳۸۷ش)، «مراکز علمی و فرهنگی: آشنایی با مؤسسه آل‌البیته علیهم السلام لاحیاء التراث»، مجله آینه میراث، شماره ۳ و ۴، صفحه ۱۱۲ - ۱۲۲.
۲۵. دیاری بیدگلی، محمدتقی و دیگران (۱۳۹۰ش)، «بررسی مبانی امام خمینی در حجیت روایات فقهی و غیرفقهی»، دوفصلنامه کتاب‌قیم، شماره ۳، صفحه ۵۷ - ۷۸.
۲۶. شیرازی، سید رضی و دیگران (۱۴۰۱ش)، «ارزیابی حدیث به روش تحلیل فهرستی؛ دیدگاه‌ها و مبانی»، دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۳۰، صفحه ۲۵ - ۵۶.

۲۷. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۳ش)، فقه گویا، تهران: انتشارات امید فردا، اول.
۲۸. صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۷ش)، شهید جاوید، تهران: نشر امید فردا، چهارم.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ش)، حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، تهران: انتشارات کویر، پنجم.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ش)، غلو (درآمدی بر افکار و عقاید غالیان در دین)، تهران: انتشارات کویر، سوم.
۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹ش)، نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری، تهران: انتشارات کویر، اول.
۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰ش)، عصای موسی یا درمان بیماری غلو، تهران: انتشارات امید فردا، اول.
۳۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، دوم.
۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷ق)، تفسیر البیان فی الموافقة بین الحديث و القرآن، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، اول.
۳۵. طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۳۸۸ش)، تاریخ حدیث شیعه (عصر غیبت)، قم: دارالحدیث، اول.
۳۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، اول.
۳۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۰ق)، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، اول.
۳۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷ق)، الرجال، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۳۹. عسکری، مرتضی (۱۴۱۲ق)، معالم المدرستین، تهران: موسسه البعثة، چهارم.
۴۰. عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۸ش)، بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، نمونه، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اول.
۴۱. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۹ش)، روحانیت و تجدد با تأکید بر جریان‌های فکری - سیاسی حوزه علمی قم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۴۲. فریدتکابنی، عبدالوهاب (بی‌تا)، اسلام و رجعت، بی‌جا: سایت کتابخانه عقیده.
۴۳. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: مؤسسه دارالهجرة، دوم.

۴۴. مباحثات (۱۳۹۲ش)، مصاحبه با آیه الله احمدی شاهرودی، [/https://mobahebat.ir](https://mobahebat.ir) 1686
۴۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸ش)، خاطره‌ها، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چهارم.
۴۶. معارف، مجید و دیگران (۱۳۹۴ش)، درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، تهران: سمت، اول.
۴۷. مددی، سید احمد (۱۳۹۳ش)، نگاهی به دریا، قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، اول.
۴۸. مدرسه فقهت (۱۳۹۱ش)، آرشیو درس استاد سید محمدجواد شبیری زنجانی، [/http://www.eshia.ir/feqh/archive/shobeiry\\_mohammad/rejal/91](http://www.eshia.ir/feqh/archive/shobeiry_mohammad/rejal/91)
۴۹. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، [www.noorsoft.org](http://www.noorsoft.org)
۵۰. مرسلوند، حسن (۱۳۷۶ش)، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۹۹ش)، تهران: نشر الهام، دوم.
۵۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ش)، ده گفتار، تهران: انتشارات صدرا، اول.
۵۲. معرفت، محمدهادی (۱۳۹۰ش)، التفسیر الاثری الجامع، ترجمه: جواد ایروانی، قم: نشر تمهید، اول.
۵۳. معماری، داود و دیگران (۱۳۹۹)، «رویکرد و معیارهای رجالی آیه الله شبیری زنجانی»، دوفصلنامه مطالعات فهم حدیث، شماره ۱۲، صفحه ۱۹۳ - ۲۱۵.
۵۴. موسوی تبریزی، سید حسین (۱۳۸۴ش)، خاطرات آیه الله سید حسین موسوی تبریزی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول.
۵۵. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ششم.
۵۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ش)، رجال النجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعة)، تحقیق و مقدمه: محمد باقر ملکیان، قم: بوستان کتاب، اول.